

گفت‌وگو با مسعود کوثری  
درباره‌ی شبکه‌های اجتماعی

# تمرین حرف زدن در فضای عمومی نداریم

آیا شبکه‌های اجتماعی لزوماً افراد جامعه را آگاه‌تر می‌کنند یا می‌توانند به سردرگمی منجر شوند؟ بیش‌تر باعث تفاهم بین کاربران می‌شوند یا تعارض؟ میل مفرط مردم به سلفی گرفتن از کجا نشأت می‌گیرد؟ این‌ها و موارد دیگر سؤالاتی بودند که از مسعود کوثری پرسیدیم. او معتقد است خشونت و تصفیه‌حساب در سطح زبانی به دلیل گمنامی در شبکه‌های اجتماعی بیش‌تر از محیط واقعی دیده می‌شود به همین خاطر شبکه‌های اجتماعی باعث خودآگاهی جدیدی در ایرانی‌ها نسبت به برخی معضلات فرهنگی شده است. او هم‌چنین معتقد است امروز با پیدایش مفهوم «جامعه‌ی مخاطره»، درک ما از مخاطراتی که ما را فرا گرفته متفاوت است و فهم جدیدی از حادثه در حال شکل‌گیری است و شبکه‌های اجتماعی کارکرد کاهش این اضطراب را از طریق به اشتراک گذاشتن آن با دیگران برعهده دارند. کوثری پژوهش‌گر حوزه‌ی ارتباطات و فرهنگ و استادیار و مدیر گروه ارتباطات اجتماعی دانشگاه تهران و نویسنده‌ی کتاب‌هایی مثل «اینترنت و آسیب‌های اجتماعی» است. گفت‌وگو با او را در ادامه بخوانید:



اگر تصور کنیم رفتاری که ما در وبسایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی از خودمان بروز می‌دهیم چیزی به غیر از ایرانی بودن ماست، سخت اشتباه می‌کنیم

خودش متفاوت است و به سمت نزدیک شدن به هویت خود فرد حرکت می‌کند. یعنی هر چه تعاملات فرد بالاتر می‌رود، به خود اصلی‌اش نزدیک‌تر می‌شود. دومین مسأله این است که این هویت در مورد ای‌میل، چت و شبکه‌های اجتماعی با هم متفاوت است. در شبکه‌های اجتماعی این موضوع شاید بیش‌ترین بروز را داشته باشد چون فرد

که فرد هست از او در فضای مجازی معرفی می‌شود. تا حدودی این مسأله درست است اما می‌توان گفت در مورد قسمت‌های مختلف فضای مجازی یا مراحل مختلفی که ما وارد فضای مجازی می‌شویم، متفاوت است. مثلاً کاربری که یک سال در فضای مجازی فعالیت دارد با کاربری که سه سال در فضای مجازی فعالیت کرده از لحاظ بروز و ظهور

بین هویت آدم‌ها در فضای واقعی و بازنمایی آن در فضای مجازی چه نسبتی وجود دارد؟ بحث‌های زیادی شده که آیا بین هویت واقعی و هویتی که در فضای مجازی بروز پیدا می‌کند شباهت وجود دارد یا تفاوت. اکثر نظریه‌پردازان متفق‌القول‌اند که تفاوت وجود دارد. بنابراین یک من‌آرمانی و ایده‌آل و غیر از آن چیزی



**پیروی از دیگران و اظهار نظر کردن به یک مد تبدیل شده و خیلی افراد احساس می کنند حتما باید چیزی آن جا بنویسند. این روند به تدریج کاهش پیدا می کند**

اگر تصور کنیم رفتاری که ما در وبسایت ها و شبکه های اجتماعی از خودمان بروز می دهیم چیزی به غیر از ایرانی بودن ماست، سخت اشتباه می کنیم. ما در زندگی روزمره تضادهای خود را از طریق حرف بیان می کنیم. در جامعه ی آمریکایکا تضادها ممکن است از طریق شلیک گلوله حل شود. طرف اسلحه بر می دارد و می رود در یک مدرسه ۱۰ نفر را می کشد و بعد هم خودش را می کشد. در جامعه ی ما از دیرباز خشونت مان را از طریق طنز و جوک و حرف بیان می کردیم و به همین دلیل ممکن است جامعه ی ما نسبت به خیلی جاهای دیگر از نظر خشونت دیدنی در سطح جامعه کم تر باشد. ولی این خشونت و تصفیه حساب در سطح زبانی وجود دارد و بنابراین این تصفیه حساب را ما ممکن است در سطح جامعه کم تر بینیم و به دلیل گمنامی در شبکه ها زیاده تر می بینیم. ولی این به این

می دهیم. آن هم می تواند تا حدودی ساختگی باشد یعنی برآیندی از تعامل من و دیگران باشد. بنابراین نباید خیلی احساس کنیم که یک تظاهر، جلوه و شخصیت واقعی در فضای واقعی از ما بروز پیدا می کند و اصالت دارد و آن چیزی که در فضای مجازی بروز پیدا می کند، اصالت ندارد. به نظر من هر دو یک نوع بازنمایی از ماست و می تواند ساختگی باشد ضمن این که در شبکه ها و فضاهای مجازی که امکان تعامل بیش تر است ما به این سمت می رویم که این دو می تواند به هم نزدیک تر شود.

**تحلیل جامعه شناسی رفتار ایرانی ها در فضای مجازی مثل حمله به صفحات افراد مشهور در شبکه های اجتماعی از جمله توئیتر چیست؟ آیا آن را امری نادر می دانید یا نشانه ای از معضلی فرهنگی؟**

باید مداوم واکنش نشان بدهد و این واکنش او را به هویت اصلی که دارد نزدیک می کند. بنابراین در شبکه های مجازی آدم ها مجبورند بیش تر خودشان را معرفی کنند و بیش تر جلوه های شخصیتی خودشان را بروز بدهند تا در بخش هایی از فضای مجازی که ما فقط با یک آیکن، شکلک، شمایل یا عکس خودمان را معرفی می کنیم. در آن جا عنصر گمنامی می تواند اثر بیش تری داشته باشد. بنابراین جاهایی که گمنامی کمتر می شود و شما باید به هر حال با واژگان واکنش نشان بدهید، امکان معرفی شخصیت تان بیش تر است.

ضمن این که این سؤال مطرح می شود که آیا آن چیزی که واقعاً در واقعیت هستیم، خود خویش تن اصلی ماست یا آن هم خودش یک بازنمایی است که ما بسته به فضاها و موقعیت هایی که در آن شرکت می کنیم از خودمان بروز

که خوداظهاری‌شان را افزایش بدهند. بنابراین این هم یکی از دلایلی است که وجود کانال‌ها را تشویق می‌کند. یعنی این که من به اصطلاح این قدر مهم هستم و حرف دارم که می‌توانم کانالی تشکیل بدهم که دیگران گوش دهند. پس هم به دلیل رشد تضادها و هم میل به شهرت و لایک خوردن و دیده شدن رشد کانال‌ها بیش‌تر است ولی با فراوانی کانال‌ها دوباره همان عاقبت وبلاگ‌ها به سر ما خواهد آمد؛ تعداد وبلاگ‌های زیاد و مخاطبان کم. وقتی تعداد از یک حد بالاتر می‌رود در آدم‌ها یک نوع دلسردی ایجاد می‌شود.

### مخاطبان وبلاگ‌ها محدود بودند در حالی که گفته می‌شود بیست و پنج میلیون ایرانی در تلگرام حضور دارند.

ولی به هر حال وقتی بیش‌تر حرف زده می‌شود، ناخودآگاه کم‌تر گوش داده می‌شود و تعاملی که هدف اصلی شبکه‌های اجتماعی بوده، حذف می‌شود. در واقع یک مجموعه اطلاعات، شایعات و حرف‌هایی است که دائم می‌چرخد.

### با وجود این شایعات فکر می‌کنید تأثیر تلگرام روی میزان آگاهی ایرانی‌ها مثبت است؟

اطلاعاتی که در شبکه‌های اجتماعی است آثار چندگانه‌ای دارد. یک پیش‌بینی بیش‌تر می‌شود و آن این است که ما به سمت دو دسته محتوا در شبکه‌های اجتماعی حرکت خواهیم کرد. یکی کانال‌های سرویس‌دهنده مثلاً کانال‌هایی که اطلاعاتی درباره طب گیاهی است. یا دوخت و دوز است. یعنی سرویس‌هایی که استفاده‌کنندگان زیادی دارند و روزبه‌روز در حال گسترش هستند. دوم گسترش اطلاعاتی که صحت و سقم آن‌ها



حرف زدن در فضای عمومی نداریم خیلی از شبکه‌های باز خیلی زود به تعارض و دعوا می‌انجامد. مثلاً یکی از شبکه‌هایی که توسط دوستان قدیمی من از هم‌کلاسی‌های دوره لیسانس تشکیل شده بود با این که همه هم‌دیگر را می‌شناختیم و سال‌ها با هم دوست بودیم ولی در عرض سه ماه به تعارض رسید. تکیه کلام‌های بد، گاهی تکه‌پرانی و چیزی را نباید گفتن و مواردی از این دست اتفاق افتاد که به دلخوری و تضاد منجر شد در حالی که این دوستان یک دوره‌ی ۲۰ ساله هم‌دیگر را تحمل می‌کردند و دوست بودند و این قدر تضادها برجسته نمی‌شد. چون در فضای مجازی حرف‌ها را همه می‌بینند یک حرف ممکن است زوایای مختلفی پیدا کند. به نظرم در شبکه‌ها این مسأله رشد پیدا کرد و این خود عاملی است که آدم‌ها به سمت تک‌صدایی کانال‌ها بروند، خودشان را کنار بکشند و کانالی تشکیل بدهند و فقط حرف بزنند.

نکته‌ی دوم این است که میل به شهرت کلاً با شبکه‌های اجتماعی رشد پیدا کرده است. آدم‌ها وسایلی پیدا کرده‌اند

معنی نیست که شبکه‌ها باعث آن شده‌اند. شبکه‌ها فقط زمینه‌ی ظهور آن را فراهم کردند.

غیر از این می‌توانیم بگوییم این تکنولوژی‌ها چون جدید آمده‌اند اظهارنظر کردن هم خودش به یک مد تبدیل شده است. یعنی آدم‌ها احساس می‌کنند باید اظهارنظر بکنند. این وجه سرایتی دارد و برمی‌گردد به شرایطی که ما نسبت به تکنولوژی‌های جدید در آن به سر می‌بریم. یعنی پیروی از دیگران و اظهارنظر کردن به یک مد تبدیل شده و خیلی افراد احساس می‌کنند حتماً باید چیزی آن‌جا بنویسند. این روند به تدریج کاهش پیدا می‌کند ولی الان شاید در نقطه‌ی اوج خود باشد و یک نوع هوس اجتماعی برای انجام چنین کاری وجود دارد.

### تمایل تدریجی کاربران تلگرام به عضویت در کانال‌ها به جای گروه‌ها را به چه دلیل می‌دانید؟

مسأله‌ی رشد کانال‌های تلگرامی در اثر چند مورد تقویت شده است. یکی در اثر رشد تضادهایی که در شبکه‌های باز به وجود آمد. چون در واقع ما تمرین



**با پیدایش مفهوم «جامعه‌ی مخاطره»، درک ما از مخاطراتی که ما را فرا گرفته متفاوت است و رابطه‌ی جدیدی از درک حادثه در حال شکل‌گیری است**



معلوم نیست. می شود از آن تعبیر به شایعه کرد ولی فراتر از شایعه و مخلوطی از اطلاعاتی است که دائم در حال گردش است. حجم این گونه اطلاعات هم زیاد خواهد شد که بخشی از آن ها هم شایعات هستند. ولی این حجم اطلاعات خیلی وسیع تر از میزان شایعات است. بدنه ی اطلاعات در آینده خیلی بزرگ می شود و تعاملی که منظور شبکه ها بوده، کاهش پیدا خواهد کرد.

ما باید بفهمیم چگونه صحت و سقم اطلاعات را تشخیص دهیم. به نظر من در فضای مجازی مصرف اطلاعات بیش تر مصرف تفریحی است. یعنی آدم ها مصرفش می کنند چون هر چیز دیگری هم جای آن بود مصرف می کردند. بنابراین خیلی برای شان صحت و سقم اطلاعات اولویت ندارد و فقط در جریان قرار گرفتن و مبادله و چرخش آن مهم می شود. مثل این می ماند که شما جلوی تلویزیون نشسته اید و یک جریان از پخش تصاویر وجود دارد و شما تماشا می کنید و ممکن است قضاوت در مورد درستی یا عدم درستی نکنید. این اتفاق در حال وقوع است. اگر کسی بخواهد روی نکته ای تمرکز کند و عمیق تر بشود و ببیند درست است یا نه، آن گاه نیاز به یک سری مراجع و منابع دارد. آن منابع خارج از نظام شبکه ها خواهند بود. می تواند سایت ها یا روزنامه ها یا مراجع دیگر باشد. مراجع دیگر تا حدودی حفظ خواهند شد و مطبوعات تا آن حد می تواند حفظ شود که این نقاط مرجع مورد اطمینان را داشته باشد. مثلاً فرض کنید قبل از عید مرگ یکی از هنرمندان اتفاق افتاد و ما در شبکه های اجتماعی متوجه شدیم ولی بلافاصله این سؤال پیش آمد که آیا این خبر درست است یا نه. پس از ارجاع به سایت ها و خبرگزاری ها

اطمینان پیدا کردیم. بنابراین آدم ها نگاه گردشی به اطلاعات دارند آن جا هم که برای شان مهم و حیاتی باشد باید به یک منبع معتبر تر رجوع کنند.

### با این اوصاف آینده ی رسانه های چاپی را چگونه می بینید؟

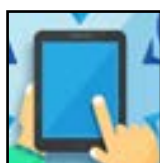
طبیعتاً مسیر آینده ی رسانه های نوشتاری دو چیز خواهد بود؛ یکی پیدایش رسانه های نخبه که حرف های جدی دارند یا پردازش و تحلیل و گزارش های جدی دارند و نیز حذف بخش عمده ی رسانه هایی که به صورت صوری فقط نقل قول های ظاهری می کنند و خبرهای خبرگزاری های مورد مصرف را باز تولید می کنند. بخش عظیمی از رسانه های نوشتاری از بین خواهند رفت و بخشی از اطلاع رسانی روزنامه ها هم به شبکه های اجتماعی و سیستم موبایل محور منتقل خواهد شد.

### تحلیل شما از پدیده ی سلفی گرفتن در گیرودار بحران هایی مثل آتش سوزی پلاسکو چیست؟

سلفی گرفتن تبی است که در همه جهان وجود دارد و خاص ایرانی ها هم نیست، به دلیل اینکه مفهوم «حادثه» در

جهان تغییر کرده است. در گذشته ما خشنود بودیم از ندیدن حادثه. ولی امروز با پیدایش مفهوم «جامعه ی مخاطره»، درک ما از مخاطراتی که ما را فرا گرفته متفاوت است و رابطه ی جدیدی از درک حادثه در حال شکل گیری است.

بنابراین حتی در این مواقع هم وقتی عکس می گیریم یک نوع تعریف جدید از حوادثی که کنار ما وجود دارند ارائه می دهیم. یعنی می گوئیم این حادثه این قدر نزدیک است و اصلاً دور از من نیست. من نباید فکر کنم این حادثه ممکن است در یک جایی دور از جهان به وجود بیاید و برای من به وجود نمی آید. فقط برج های دوقلو فرو نمی ریزند بیخ گوش ما هم پلاسکو فرو می ریزد. من در جایی مفصل در این باره بحث کرده ام. درک ما از فاجعه و حادثه تغییر می کند و به نوعی می پذیریم که بخش جدیدی از زندگی ما و نزدیک به ماست و هر آن ممکن است برای ما هم اتفاق بیفتد. برای همین ما ناامنی بیش تری نسبت به گذشتگان دوروبرمان احساس می کنیم و می خواهیم با این سلفی گرفتن یک مقداری از این اضطراب را کم کنیم. ■



**میل به شهرت  
کلا با شبکه های  
اجتماعی رشد  
پیدا کرده است.  
آدم ها وسایلی  
پیدا کرده اند که  
خوداظهاری شان  
را افزایش  
بدهند**